

گزارش سالیانه انجمن دفاع از حقوق زندانیان

بر ۱۴۳ هزار ایرانی
در زندان ها چه می گذرد !

۱ - شکنجه و سلول انفرادی ۲- استفاده از چشم بند ۳ - ضرب و شتم متهمان توسط نیروی انتظامی - که به زنان نیز تسری یافته است ۴ - بازداشت بدون مجوز ۵- بازداشت بدون هیچ‌گونه سابقه قضایی و مجرمیت ۶ - بلا تکلیفی زندانیان و طولانی شدن مدت محکومیت ۷- تعارض در مدیریت بازداشتگاه‌ها ۸ - فقدان شرایط کنترل و پیشگیری از خودکشی زنان بویژه در زندان رجایی شهر ۹- وجود بازداشتگاه‌های جداگانه توسط نهادهای مختلف ۱۰- فضای ناکافی برای افراد (۱ متر به جای ۱۲ متر) ۱۱- دستگیری اعضای خانواده به جای فرد متهم ۱۲ - استتکاف و مقاومت اطلاعات سپاه در برابر بازدید و نظارت بر بازداشتگاه‌ها ۱۳- نگهداری افراد زیر ۱۸ سال در بندهای عمومی (بازداشت نوجوان ۱۳ ساله به خاطر دزدیدن يك مرغ و بازداشت او به مدت ۶ روز در بدترین بازداشتگاه ورامین) ۱۴- وجود افراد مسن در زندان‌ها

گزارش انجمن دفاع از حقوق زندانیان مستند به گفتگو با زندانیان، خانواده‌های زندانیان، وکلا، برخی زندانبانان و کارکنان زندان‌ها، مطبوعات، سایت‌ها (و از جمله سایت سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور) و در يك مورد بازدید غیر رسمی از زندان منتشر شد. در این گزارش تاکید شده است :

بدون شك در صورتی که قوه قضاییه همانگونه که گهگاه به نهادها و سازمان‌های بین‌المللی اجازه بازدید از زندان‌های کشور را داده، به نهادهای مدنی شناخته‌شده داخلی نیز اجازه بازدید از زندان‌ها را می‌دادند، چه بسا بهبود شرایط زندانیان سریع‌تر حاصل می‌گردید و بازتاب داخلی و جهانی مثبت، سازنده و امید بخش‌تری داشت .

گزارش تاکید می کند :

وضعیت هر زندان در استان‌ها و شهرها ی مختلف متفاوت است و نمی‌توان حکم واحدی درباره زندان‌های کل کشور ارائه داد. در يك زندان وضعیت مرخصی و ملاقات ایده‌آل، در زندانی دیگر متوسط و در زندانی هم نامناسب است. همچنین است وضع رفتار با زندانیان، تغذیه، اشتغال، امکانات فرهنگی و سایر نیازمندی‌ها و امور زندانی و زندان. از آن رو که در حال حاضر امکان بازدید مستقیم از زندان‌ها و تهیه گزارش‌های جداگانه درباره وضعیت هر زندان به تفکیک وضع تغذیه، مرخصی، ملاقات، چشم‌بند، دستبند، اشتغال ، امکانات فرهنگی، وثیقه و میسر نیست ناگزیر گزارش کلی درباره مجموع زندان‌های کشور به تفکیک موضوعات تنظیم شده‌است. دسترسی ما به اطلاعات مربوط به بسیاری از زندان‌ها میسر نبوده و بر اساس گزارش‌هایی که درباره برخی از مسایل در برخی از زندان‌ها مانند اوین (تهران)، رجایی شهر (کرج)، قزلحصار (کرج)، خورین، (ورامین) زندان مشهد، عادل آباد (شیراز)، زندان سنندج و زندان بندرعباس واصل گردیده اند مبادرت به تهیه بازداشت بدون احضاریه می‌تواند امنیت شهروندان را به خطر افکند و چنانکه مطبوعات ایران بارها خبر داده‌اند این قبیل بازداشت‌ها موجب شده است آدم‌ربایان با سوءاستفاده از این شیوه از طریق استفاده از کارت‌های جعلی و یا لباس ماموران انتظامی اقدام به ربودن افراد و اخاذی از آنها کنند که در مواردی منجر به آسیب‌های جانی و نیز خسارات مالی و حیثیتی گردیده است.

این قبیل بازداشت‌ها که در سال‌های گذشته رواج داشت، به نظر می رسيد اخیراً کاهش یافته است؛ اما هنوز موارد و مصادیق متعددی از آن مشاهده می‌شود. آخرین نمونه آن در اواخر سال ۱۳۸۴ مربوط به دانشجویی است که پس از دو روز تعقیب و مراقبت در مسیر خانه و محل کار سرانجام در تاریخ پنج‌شنبه ۲۷ بهمن ۸۴ شبانه در خیابان با متوقف کردن اتومبیلش بازداشت می‌کنند. این در حالی است که وی پیش از آن هیچ احضاریه‌ای از سوی دادگاه دریافت نکرده است. (احسان کمالی)

جمعه ۳۱ تیر ۸۴ تعدادی از افراد به اتهام فعالیت مذهبی دستگیر شدند که یکی از آنان نویسنده و پژوهشگر اسلامی مصطفی

حسینی طباطبایی بود. بازداشت آنها پس از هجوم به خانه‌ای که محل برگزاری نماز جمعه آنها بود و ممانعت از برگزاری نماز صورت گرفت که این مورد می‌تواند از مصادیق بازداشت بدون احضاریه باشد.

مواردی نیز مشاهده شده است که متهم علیرغم داشتن اتهام سبک و توان پرداخت وثیقه یا کفالت بازداشت شده است. بازداشت زندانی ضیایی‌پور بخاطر چهارصد هزار تومان بدهی که پس از یک هفته با سقوط از طبقه سوم تخت به کوما رفت و در اوایل سال ۸۴ جان باخت (شرق ۲۵ و ۳۱ فروردین ۸۴). در نمونه دیگر مدیر مسنول نشریه نسیم خوزستان می‌گوید: بازپرس پرونده با اینکه می‌دانست توانایی ارائه وثیقه و کفالت را دارم، هنگام ورود تلفن همراه مرا گرفت و اجازه هر گونه ارتباط با همراهانم را که بیرون از محل بازپرسی بودند سلب و مرا به سرعت روانه زندان کرد. (کیهان ۸۵/۱۱۷ ص ۲)

از نظر موازین حقوق بشر و قوانین داخلی باید به محض اینکه فردی بازداشت می‌شود بتواند با خانواده خود تماس گرفته و آنان را از موقعیت خویش مطلع سازد. این در حالی است که موارد زیادی مشاهده شده است که زندانی پس از بازداشت، در روز بعد یا روزهای بعد توانسته است به خانواده خود اطلاع دهد و در این فاصله موجبات نگرانی و فشار روحی روانی شدیدی برای خانواده بی‌اطلاع از وضعیت فرد فراهم شده است.

مطابق اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی، رسیدگی به وضعیت افراد بازداشت شده باید در اسرع زمان ممکن صورت پذیرد. این در حالی است که بلا تکلیفی از بدترین مسائل زندان‌های ایران است. به کرات دیده شده که زندانیان - اعم از سیاسی و غیر سیاسی - مدت‌های مدیدی را در بازداشتگاه‌های موقت یا سلول انفرادی گذرانیده‌اند. یکی از این زندانیان منصور اسانلو دبیر سندیکای کارکنان اتوبوسرانی است که از تاریخ ۸۴/۱۰/۱ به دلیل اعتراضات صنفی بازداشت شده و تاکنون به صورت بلا تکلیف بدون دیدار با وکیل در بازداشت بسر برده است.

زندانی مالی (امیرزاده) ۱۴ ماه در سلول انفرادی بدون تماس با دنیای خارج و برخورداری از حق ملاقات با خانواده و وکیل و بدون پذیرش وثیقه بسر برده است. و نیز زندانی دیگر (غلامرضا مکیان) طی ۵ سال گذشته در سلول انفرادی یا بند ۲۰۹ بسر برده است.

در سال گذشته دو حادثه و همراه آن بازداشت‌های گسترده رخ داد. یکی از آنها بازداشت ده‌ها تن از کارکنان اتوبوسرانی بود که در رشته اعتراضات صنفی که داشتند بازداشت گردیدند. اغلب آنها گرچه طی چند هفته آزاد شدند اما ۸ تن از آنان تا پایان سال بدون هیچ‌گونه اجازه ملاقات با وکیل در زندان ماندند. حادثه دیگر بازداشت بیش از ۱۲۰۰ تن از درویش گنابادی در قم بود که اکثریت آنها در فاصله دو - سه روز آزاد و تعدادی نیز پس از چند هفته آزاد گردیدند. شیوه بازداشت و رفتارهای صورت گرفته با آنان در مدت بازداشت منطق با هیچ‌یک از موازین قانونی نبوده است.

در زندان

مکان‌های حبس همواره احتمال بروز مخاطرات شکنجه و سوء رفتار با زندانیان را پدید می‌آورد. در نتیجه نظارت بر بخش‌های مختلف سیستم نگهداری زندانیان و نحوه رفتار با آنها توسط ناظران بسیار مهم و ضروری است. اما گزارشات رسیده به انجمن نشان دهنده نقض آشکار این اصول بدیهی می‌باشد.

بازجویی، چشم‌بند، دست‌بند و پا بند

در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی آمده است: از تاریخ تصویب این قانون، کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی دادسراها و ضابطان قوه قضائیه مکلفند در انجام وظایف قانونی خویش موارد ذیل را به دقت رعایت و اجراء کنند. متخلفین به مجازات مندرج در قوانین موضوعه محکوم خواهند شد. در بند ۶ و ۷ این قانون چنین آمده است:

۶ - در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد.

۷ - بازجویان و ماموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلا اقدام‌های خلاف قانون خودداری ورزند.

علیرغم صراحت اصل ۳۲ قانون اساسی و ماده ۲۴ آیین‌دادرسی مبنی بر اینکه بازجویی باید کتبی و با ذکر دلیل باشد و همچنین طبق ماده ۱۲۴ آیین دادرسی بدون داشتن دلایل کافی (نه لازم) نمی‌توان متهمی را احضار یا جلب کرد موارد متعددی

مشاهده شده است که بیشتر اوقات به بازجویی شفاهی سپری می‌شده و با وجود ممنوعیت پرسش خارج از موارد اتهامی، سوالاتی بی ارتباط با اتهام مطرح گردیده و اتهاماتی مطرح شده که دلایل آنها پیش از بازداشت تدارک نشده و دلایل را از خلال بازجویی‌های افراد یا هم پرونده‌های آنها فراهم کرده اند .

گزارش آخرین نمونه‌های واصله به انجمن مربوط به سه زندانی با اتهام سیاسی در اواخر سال ۱۳۸۴ است که بدون در نظر گرفتن موقعیت و شخصیت آنان بازجویی آنان با چشم‌بند بوده است. که یکی از آنها (سلطانی) با اعلام اینکه این عمل مخالف قانون حقوق شهروندی است از پاسخ به سوالات استنکاف می‌کند. علاوه بر این به هنگام انتقال به خارج از بند نیز این افراد چشم‌بند داشته‌اند (سلطانی، افسحی، کمالی و نیز گزارش يك زندانی از تبریز)

استفاده از دستبند و پابند دربارهی مجرمان خطرناک و آنانکه بیم آسیب رساندن به ماموران یا سایر زندانیان در مورد آنها وجود دارد، بلامانع و لازمه دفاع از حقوق و امنیت دیگران است اما استفاده از آن دربارهی زندانیانی که دارای شان و منزلت هستند و یا درباره زندانیان عقیدتی، سیاسی و مطبوعاتی که شائبه خطرناک بودن، فرار یا آسیب رسانی به دیگران دربارهی آنها وجود ندارد غیرقانونی و غیرمنطقی است. (فرید مدرسی در زندان قم)

در رابطه با استفاده از چشم‌بند، دستبند و پابند از ۲۵ فرد بازداشت شده و زندانی در يك سال سوال شده و بررسی پاسخ‌ها نشان می‌دهد که در مورد تمام ۲۵ نمونه مورد بررسی، چشم‌بند، در مورد ۲۰ نفر از آنها دستبند و در مورد ۸ نفر از آنها پابند به کار رفته است که عملی تحقیر آمیز و فاقد توجیه است. این آمار فقط مربوط به زندانیان سیاسی و مطبوعاتی است .

بر مبنای گزارشات رسیده به انجمن، گفته می‌شود پس از ناآرامی‌های کردستان در سال ۸۴ و دستگیری تعدادی از فعالان سیاسی و مطبوعاتی، برخوردهای خارج از ضوابط انسانی و قانونی با متهمان در دوران بازداشت موقت آنان صورت گرفته است از قبیل: انداختن در سلول‌های انفرادی، خشونت گفتاری به مفهوم به کار بردن الفاظ رکیک تا ضرب و شتم. متأسفانه امکان حضور در زندان‌ها و گفتگو با مسئولان برای ارزیابی صحت و سقم اظهارات فوق تاکنون حاصل نشده است .

هر چند به ندرت اخبار این حوادث در رسانه‌ها انعکاس می‌یابد در حالی که انعکاس آن در رسانه‌ها می‌تواند از عوامل بازدارنده بوده و در کاهش آن به قوه قضاییه کمک کند. در عین حال آخرین موردی که در رسانه‌ها انعکاس یافت مربوط به جوان کیف قاپی بود که در اثر شکنجه توسط افسر اداره آگاهی به قتل رسید و خود دستگاه قضایی و پلیس شاکی این مامور بودند (ایران، همشهری و اعتماد ملی ۸۵/۱/۱۶)

نقض حقوق شهروندی در دوران بازداشت موقت

در گزارشی که از سوی يك زندانی در سال ۸۴ خطاب به دیوان عالی کشور و افکار عمومی منتشر گردید به شرح موارد نقض حقوق شهروندی در دوران بازداشت موقت اشاره شده است. لازم به ذکر است کارهای انجام شده در مورد قاضیان در سال ۸۱ صورت گرفته اما گزارش او به دیوان عالی کشور در سال ۸۴ در رسانه‌های عمومی انعکاس یافت. هر چند نمی‌توان این موارد را تعمیم داد اما در گزارش آقای عباسعلی علیرزاده رییس دادگستری پیشین تهران در تاریخ ۱۵ مرداد ۸۴ که در مطبوعات منتشر شد نمونه‌های دیگری ذکر شده که حاکی از تعدد و تکرار این موارد است. آنچه در این گزارش آمده عبارت است از :

- بازجویی توسط قاضی قبل از تفهیم اتهام که در نیمه شب‌ها تا اذان صبح ادامه می‌یافته است .

- ضرب و شتم در دوران بازداشت و انتقال به زندان

- کاربرد چشم بند و دستبند

- وادار نمودن به حرکت به صورت چهار دست و پا و به مانند حیوانات از سلول تا اتاق

بازجویی راه رفتن .

- کوبیدن مشت بر روی ناحیه پشت و وارد آوردن ضربات متعدد با مشت و لگد و ارنج و کوبیدن سربه دیوار

- سر پا نگهداشتن، بی خوابی دادن، قرار دادن در معرض هوای سرد با لباس نازک، عدم اجازه برای استفاده از سرویس بهداشتی و حمام و ندادن لباس و غذای مناسب .

- کاربرد انواع تهدیدها و ارباب ها جهت اجبار به پذیرش اعمال غیر ارتكابی و تهدید به دستگیری اعضای خانواده .

- تهدید به اعدام. سلب حق دفاع و ممانعت از برخورداری از وکیل در دوران بازداشت موقت (حسین قاضیان) نکات عمده و قابل توجهی که در گزارش آقای عباسعلی عزیززاده رییس سابق دادگستری تهران در ارتباط با موارد نقض حقوق شهروندی وجود داشته است، خود به نوعی تایید کننده رسمی بخش‌هایی از گزارشات واصله توسط انجمن دفاع می باشد. این نکات عبارتند از :

- وجود شکنجه و سلول انفرادی

- استفاده از چشم بند

- ضرب و شتم متهمان توسط نیروی انتظامی - که به زنان نیز تسری یافته است

- بازداشت بدون مجوز

- بازداشت بدون هیچ‌گونه سابقه قضایی و مجرمیت

- بلا تکلیفی زندانیان و طولانی شدن مدت محکومیت

- تعارض در مدیریت بازداشتگاه‌ها

- فقدان شرایط کنترل و پیشگیری از خودکشی زنان (خودکشی در زندان رجایی شهر)

- وجود بازداشتگاه‌های جداگانه توسط نهادهای مختلف

- فضای ناکافی برای افراد (۱ متر به جای ۱۲ متر

- دستگیری اعضای خانواده به جای فرد متهم

- استتکاف و مقاومت اطلاعات سپاه در برابر بازدید و نظارت بر بازداشتگاه‌ها

- نگهداری افراد زیر ۱۸ سال در بندهای عمومی (بازداشت نوجوان ۱۳ ساله به خاطر دزدیدن يك مرغ و بازداشت او به

مدت ۶ روز در بدترین بازداشتگاه ورامین)

- وجود افراد مسن در زندان‌ها

(ایسنا ۱۵ مرداد ۱۳۸۴)

جدا کردن متهمان از محکوم شدگان بخش ۲ آیین نامه سازمان زندان‌ها (فصل اول ، مواد ۴۷ الی ۶۹) به تشخیص و

طبقه‌بندی زندانیان اختصاص دارد که در آن بر ضرورت وجود طبقه‌بندی در رابطه با زندانیان تاکید شده است .

هر چند که طبقه‌بندی در اغلب زندان‌های عمومی ایران رعایت نمی‌شود و زندانی خواه متهم، خواه مجرم (حال با هر نوع جرمی) بعد از انتقال به زندان عمومی، با سایر زندانیان در يك جا قرار داده می‌شود. متهم که بنا به تعریفی دیگر از او به عنوان بلا تکلیف نام برده می‌شود گاه تا مدت زیادی با همان وضعیت بلا تکلیف در کنار زندانیان مجرم (با جرائم متفاوت) بسر می‌برد. و از آسیب‌های ناشی از پدیده زندان برخوردار می‌گردد .

علاوه بر زندانیان عادی که مدیر کل زندان‌های استان تهران در طی مصاحبه‌ای عنوان نمود که از حدود ۱۳۰ هزار نفر زندانی، ۴۰٪ آنها در وضعیت بلا تکلیف بسر می‌برند یعنی به عبارتی اتهام و صدور حکم آنها قطعی نشده است (اعتماد ۸۴/۱۲/۱۴) از زندانیان سیاسی نیز می توان نام برد که گاه سال‌ها با وضعیت بلا تکلیف در زندان بسر برده و بعضاً در تمام این مدت در کنار سایر زندانیان محکوم بسر برده و می‌برند .

در زندان‌های ایران جداکردن زندانیان مرد و زن کاملاً اجرا می‌گردد اما در رابطه با جدایی سایر گروه‌های مختلف زندانیان، باید عنوان کرد که این مسئله‌ای است که در بسیاری از زندان‌های ایران رعایت نمی‌شود. در رابطه با زندانیان نوجوان باید عنوان کرد که کانون اصلاح و تربیت که مخصوص نگهداری زندانیان زیر ۱۸ سال می‌باشد در همه زندان‌های کشور وجود ندارد و تازه آن مراکزی که از کانون اصلاح و تربیت برخوردارند نیز شامل نوجوانان مذکر است و اکثر قریب به اتفاق زندان‌های کشور فاقد کانون اصلاح و تربیت مخصوص دختران می‌باشند. در نتیجه دختران زیر ۱۸ سال که اکثراً با جرائم سطح پایین دستگیر و به زندان سپرده شده‌اند، عملاً در معرض آسیب پذیری بسیار قرار می‌گیرند. نکته مهمی که باید به آن اشاره کرد این‌که حتی این مسئله یعنی جدایی زندانیان نوجوان مذکر از بزرگسالان مذکر چه در سطح اتهام و چه در سطح جرائم نیز به صورت دقیق مورد توجه مسئولین قضایی در زندان‌ها قرار نمی‌گیرد. بر طبق اخبار منتشره در رسانه‌ها، در

تاریخ ۸۴/۹/۷ در زندان عادل آباد شیراز نوجوانی ۱۷ ساله که به دلیل تعطیل کردن بند جوانان به بند بزرگسالان منتقل شده بود بر اثر تجاوز پی‌درپی ۵ نفر از زندانیان شرور جان می‌بازد .

بر طبق گزارش ارسالی دیگر از زندان مشهد، نوجوانان اگر جرمی را حتی در حد سیگار کشیدن مرتکب شوند، از بند کانون اصلاح و تربیت به بند عادی فرستاده خواهند شد .

این مشکل به نوعی در گزارش نقض حقوق شهروندی توسط علیزاده رییس سابق دادگستری تهران نیز انعکاس یافته است. در گزارش رسیده به انجمن از زندان مشهد آمده است که زندانیان کلیه جرائم به همراه متهمان پلاکلیف همگی با هم بسر می‌برند. در حالی که زندان مشهد به عنوان یکی از زندان‌های برخوردار از استانداردهای بین‌المللی معرفی شده است و برای حفظ امتیاز خود باید بر اجرای مقررات و استانداردها کنترل بیشتری اعمال نماید. همچنین از زندان رجایی‌شهر گزارش رسیده که انواع محکومان اعم از مواد مخدری، قتل، سیاسی، مالی و ... به علت عدم رعایت تفکیک جرائم در یک جا نگهداری می‌شوند. هر چند بنابر گزارشاتی دیگر از نیمه‌های سال ۸۴ با مدیریت جدید زندان رجایی شهر، به امر تفکیک زندانیان توجه بیشتری شده است. در عین حال لازم به یادآوری است که طبق تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان، زندان رجایی شهر به محکومان مواد مخدر اختصاص یافته است. به همین دلیل در زندان رجایی شهر، اکثر زندانیان برای حفاظت از خود دارای تیزی، خنجر و شمشیر بوده و هر هفته یا هر ماه نیز چند تن زخمی شده و به بهداری زندان فرستاده می‌شوند و حتی در مواردی نیز جان خود را از دست می‌دهند.

در اکثر چاقوکشی‌ها زندانیان ضعیف‌تر مورد تعرض و تجاوز قرار می‌گیرند. افراد متهم به قتل یا دارای حکم قصاص، با کشتن زندانیان ضعیف، فقیر و بی کس و کار، اجرای حکم خود را به تعویق می‌اندازند. آنان در اکثر جرائم داخل زندان از جمله خرید و فروش مواد مخدر نیز دست دارند. گزارش دیگری از همین زندان به عوارض ناشی از عدم طبقه‌بندی و تفکیک جرائم اشاره شده و آمده است :

«افراد خسته و عصبی شده و به درگیری با هم و چاقوکشی پرداخته و به مرز خودکشی رسیده‌اند.» اما واقعیت این است که مشکل فوق در زندان رجایی‌شهر نه ناشی از عدم طبقه‌بندی بلکه از قضا برآیند تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان است. زیرا کلیه زندانیان دارای جرائم قتل، سرارت، سرقت مسلحانه و مواد مخدر را در آنجا گرد آورده‌اند. و برای مهار آن باید به راه‌های دیگری تمسک جست. اما مشکل دیگر آن است که تعدادی از زندانیان سیاسی هم در چنین زندانی نگهداری می‌شوند. این امر در مواردی زندانیان را وادار به اعتصاب غذا نموده تا حق برخورداری از تفکیک جرائم درباره آنها رعایت شود که در نیمه دوم سال ۸۴ عده‌ای از آنها به اوین انتقال یافته و عده‌ای دیگر در سالن جداگانه‌ای در رجایی شهر نگهداری می‌شوند. زندانی (مجتبی سمیع‌نژاد)، به عدم امنیت جانی خود در انتقال به زندان قزل‌حصار اشاره نموده و این که در شرایط نامساعد با ۲۰ تبعه افغان در بند ۲ این زندان نگهداری می‌شود. وی نیز به وجود این شرایط و عدم طبقه‌بندی جرائم اعتراض نموده است. مادر وی در تماسی که با انجمن داشت از انتقال فرزند جوانش در کنار زندانیان سابقه‌دار دچار اضطراب و وحشت شدید شده بود و حتی علیرغم پیگیری‌های فراوان برای آزادی فرزندش می‌گفت ما آزادی او را نمی‌خواهیم مسئولان هر چند زودتر فرزندمان را از خطر قرار گرفتن در کنار مجرمین خطرناک برهانند .

لازم به ذکر است که مواردی از تهدید افراد معترض، به تبعید به زندانی دیگر و یا تهدید به اعزام افراد برای بیگاری در زندان نیز به انجمن گزارش شده است .

و در مواردی نیز اعتصاب غذای زندانیان را نیز جهت اعتراض به مشکلات رایج در زندان‌ها رقم زده است. (از جمله اعتصاب زندانی‌های کردستان و رجایی‌شهر)

وضعیت تغذیه

کیفیت و کمیت غذا در زندان‌های مختلف کاملاً با هم متفاوت است و نمی‌توان حکم کلی درباره آنها صادر کرد. در برخی زندان‌ها مثل زندان قزوین که غذای زندانیان با پرسنل یکی است و در ظروف یکبار مصرف به زندانی داده می‌شود وضع نسبتاً مطلوبی وجود دارد. همچنین در بند ۲۰۹ اوین نیز که غذای زندانی و پرسنل یکی است کیفیت غذا مطلوب است. اما در برخی زندان‌ها زندانیان از کمیت و کیفیت غذا شکایت دارند. (گزارش‌هایی از زندان مشهد - یاسوج - مریوان - بندرعباس به انجمن رسیده است.)

اما آنچه بطور عام می‌توان در این مورد گفت کمبود مواد لبنی مثل شیر و ماست و همچنین سبزیجات تازه و میوه در جیره

غذایی روزانه زندان هاست. می‌توان با صرفه جویی از طریق تغییر در نوع مواد مصرفی، اقلام مزبور را در جیره غذایی زندانیان گنجانند. ناگفته نماند که اغلب زندانیان از سوء هاضمه، یبوست و مواد نفاخ درون غذاها رنج برده و اظهار شکایت می‌کنند.

زندانیان اغلب از مشاهده حیوانات موذی در محل نگهداری مواد اولیه یا آلودگی ظروف و .. سخن می‌گویند که قضاوت در این مورد نیاز به بازدید مستقیم از این اماکن دارد.

برنامه غذایی هفتگی زندان در حال حاضر معمولاً شامل اقلام زیر با اندکی تفاوت در نوع غذا و روزها در زندان‌های مختلف است:

نان معمولاً به صورت فله‌ای داده می‌شود و از نظر مقدار محدودیت ندارد ولی به لحاظ کیفیت پایین است و به سختی خورده می‌شود. چای نیز به صورت بسته‌بندی داده می‌شود ولی چون از کیفیت بسیار پایینی برخوردار است اکثر کسانی که توانایی دارند برای خودشان چای خریداری می‌کنند. تنها کسانی این چای را مصرف می‌کنند که توانایی مالی ندارند. قند در روز به هرنفر حدود ۲۰ الی ۳۰ حبه می‌رسد.

گزارش وضعیت بهداشت و درمان

در حال حاضر ۱۷ بیمارستان و مرکز جراحی، ۲۲۰۰ درمانگاه عمومی، ۱۰۸ مرکز دندانپزشکی با ۲۷۰۰ نیروی بهداشتی و درمانی در ۲۳۰ زندان وابسته به سازمان زندان‌های کشور فعال می‌باشند. گزارش‌های رسمی در روش‌های کنترل ایدز و اعتیاد در زندان‌ها خبر از پیشرفت‌های مطلوبی می‌دهند.

زندانیان علاوه بر اینکه باید طبقه‌بندی شوند که در بخش پیش اشاره شد هر گروه زندانی نیز باید بلحاظ بیماری‌های پر خطر از یکدیگر تفکیک گردند. مجرمان سابقه‌دار و زندانیان مبتلا به بیماری‌های عفونی و واگیردار از قبیل ایدز، هپاتیت و سل و یا افراد دارای اختلالات رفتاری و شخصیتی و سایر بیماری‌های روانی معمولاً خطری برای سایر زندانیان محسوب می‌شوند. ماده ۱۱۶ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور نیز تأکید می‌کند: زندانیان مبتلا به بیماری‌های روانی، واگیردار و پرخطر باید با لحاظ نظر پزشک متخصص، و نیز سیاست‌های وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به‌صورت مجزا نگهداری و معالجه شوند. این امر مهم در برخی از زندان‌های کشور مورد توجه لازم قرار نمی‌گیرد و گاهی زندانیان عادی در میان افراد مبتلا به بیماری‌های روانی، عفونی و صرعی نگهداری می‌شوند. (گزارش‌هایی از مشهد - اراک - شیراز - سنندج و کرج)

استعمال مواد مخدر در زندان

زندانیان تعداد زیادی از معتادان را در برگرفته و توزیع و مصرف مواد مخدر به‌صورت امری رایج در زندان‌ها درآمده است. شیوع مصرف مواد مخدر در زندان‌ها می‌تواند اثرات مخربی بر سلامتی جسمی و روانی زندانیان داشته باشد. طبق آخرین آمار سال ۱۳۸۴ از ۱۴۲۸۵۱ زندانی در کل کشور ۴۵/۰۸ درصد آنها در گروه جرائم مواد مخدر هستند. بنابر نقل قول مدیرکل بهداشت و درمان سازمان زندان‌ها بیش از ۷۰ درصد مواد مخدر مصرفی در زندان‌ها توسط خود زندانیان (زندانیان جدید یا از مرخصی آمده) تامین می‌گردد که با شیوه‌های مختلف مانند بلعیدن مواد مخدر (که این عمل منجر به مسمومیت و حتی مرگ می‌شود) به زندان وارد و در اختیار زندانیان دیگر قرار می‌گیرد.

در سال ۸۱ و ۸۲ بیش از ۵۶۴ گرم از انواع مواد مخدر از ۱۸ هزار نفر زندانی هنگام پرگشت از مرخصی کشف و ضبط شد (عملکرد پنج ساله نخست قوه قضائیه ص ۲۰۲)، این آمار در سال ۸۳ و ۸۴ افزایش یافته است. واقعیت این است که قسمت عمده مواد مخدر وارد شده به زندان کشف نمی‌شود و در میان زندانیان توزیع می‌گردد.

طبق گزارش‌های واصله بسیاری از زندانیان از شیوع توزیع و مصرف انواع مواد مخدر و روانگردان (از قبیل تریاک، هروئین، حشیش، اکستازی، شیشه و ...) در زندان‌های مختلف گزارشات تکان‌دهنده‌ای داده‌اند. در عین اینکه مقامات و مدیران سازمان زندان‌های کشور نیز به این واقعیت تلخ معترف هستند. گفتنی است که در سال‌های ۸۴ - ۸۳ در زندان رجایی‌شهر معتادان تحت درمان با متادون قرار گرفتند که طرحی موفقیت‌آمیز بود و متأسفانه بواسطه کمبود بودجه این طرح

خودکشی

در زندان، خودزنی و تلاش برای خودکشی رواج دارد. این رفتارها عموماً نتیجه مشکلات روانی، ذهنی و اجتماعی و فرهنگی جامعه زندانیان است که با این رفتارها باید با احتیاط کامل برخورد نمود. شناسایی زندانیان آسیب‌پذیر، انگیزه‌های خودکشی و شناخت علل تمایل به آن، مصاحبه و مشاوره‌های روان‌پزشکی و کمک از طریق مددکاری اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرد و علاوه بر آن ابزار خودزنی و خودکشی نیز باید از دسترس زندانیان دور باشد. سال گذشته بخش مسمومین بیمارستان لقمان، پذیرای تعدادی از زندانیانی بود که با استفاده از قرص، موادمخدر یا روان‌گردان و یا داروی نظافت حاوی آرسنیک اقدام به خودکشی کرده اند .

دکتر غلامی سرپرست مرکز مشاوره بیماریهای رفتاری با اشاره به موقعیت ایران می گوید: متأسفانه ایران جزو ۱۲۶ کشور در معرض خطر ابتلا به ویروس HIV شناخته شده است .

دکتر غلامی ادعا کرد: معتاد بیماری که مجرم شناخته و روانه زندان شده يك شبه با مصرف يك سرنگ مشترك می‌تواند ۴۰۰ نفر را آلوده به ویروس ایدز کند .

وی گفت: طبق آمار ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر در کشور دچار سوء مصرف مواد و از این تعداد ۴۰۰ هزار نفر معتاد تزریقی هستند .

http://www.aidsir.org/news/news_01.html

مدیرکل بهداشت و درمان سازمان زندان‌های کشور با اشاره به اینکه طی سه سال گذشته درصد ابتلای زندانیان دارای رفتارهای پرخطر به ایدز از ۲/۱ به ۳/۳ افزایش یافته است، تاکید کرد: در صورتی که برنامه‌های کنترل رفتارهای پرخطر در سطح ندامتگاه‌ها اجرا نمی‌شود، آمار زندانیان مبتلا به ایدز افزایش می‌یافت. بر اساس گزارش ایشان، طی سالهای گذشته، زندانی شدن و حبس مهمترین عامل موثر در جهت گسترش ایدز در کشور شناخته شده است .

در این راستا، قوه قضائیه جهت دفع افسد به فاسد ، از فعالیتهایی که سبب کاهش رفتار پر خطر و آسیب‌های ناشی از آن می‌شود حمایت کرده است. این فعالیت‌ها شامل در اختیار قرار دادن سرنگ و سوزن و درمان‌های جایگزین (با متادون یا مواد مشابه) به معتادان تزریقی و

ناهنجاری جنسی در زندان

رفتارهای جنسی کنترل نشده در جمعیت زندان بیشتر از جامعه است و در این زمینه اقدامات احتیاطی خاص باید مورد توجه قرار گیرد. وجود هم‌جنس بازی از زمره گزارشات واصله گروهی از زندانیان به دفتر انجمن می‌باشد. طبق پژوهشی که مرکز آموزش و پرورش سازمان زندان‌ها انجام داده است رابطه جنسی بین زندانیان زن بنا به اظهار حدود ۷۱ درصد پاسخ دهندگان وجود دارد. حدود ۳۰ درصد زندانیان این میزان را بیش از ۱۰ درصد گزارش کرده‌اند. مهمترین دلایل روابط جنسی، نیاز جنسی، داشتن سابقه رابطه با هم جنس، جلب دوستی و محبت، تهدید، وقت‌گذرانی و ضعف اعتقادات مذهبی اعلام شده است .

رفتارهای پر خطر جنسی و تزریق مشترك در حالی گزارش می‌شود که شیوع ایدز و دیگر بیماری‌های مقاربتی در این زندان‌ها اندازه‌گیری نمی‌شود .

در مواردی تجاوز به عنف صورت گرفته و موجب مشکلات اخلاقی یا جانی حادی گردیده است .

به گفته مدیرکل فرهنگی سازمان زندان‌ها تا کنون حدود ۲۰۰ کتابخانه در زندان‌های مختلف کشور تأسیس شده که مجموعاً حدود يك میلیون جلد کتاب را در اختیار زندانیان قرار می‌دهند. البته شمار کتاب برای زندانیان در نقاط مختلف کاملاً با یکدیگر تفاوت دارد. مثلاً ندامتگاه مرکزی کرج حدود ۸۵۰۰ جلد کتاب را در خود جای داده و در دو نوبت صبح و عصر به زندانیان ارائه می‌دهد. در حالی که زندان مرکزی سنج حدود هزار جلد کتاب دارد و در برخی زندان‌ها اساساً از مقوله کتاب

و کتابخانه خبری نیست .
ادامه تحصیل برای زندانیان فراهم است. سواد آموزی در برخی زندان‌ها عملکرد مثبتی داشته و افرادی را باسواد کرده است. همچنین از طریق دانشگاه پیام نور امکان تحصیلات دانشگاهی برای زندانیان علاقمند به تحصیلات عالی نیز فراهم گردیده است. برخی زندانیان از این امکان استفاده خوبی کرده اند. اما مشکلی که در این زمینه وجود دارد سطح نازل سواد میان زندانیان و بی میلی آنها نسبت به مطالعه و کتاب است زیرا بیش از ۸۳٪ زندانیان زیر دیپلمند. لذا در برخی نقاط علی‌رغم وجود کتابخانه، زندانیان از آن استقبال و بهره برداری درستی بعمل نمی‌آورند. طبعاً برای اصلاح فرهنگ و اخلاق این افراد باید از وسایل کمک آموزشی مانند ویدئو و فیلم و برنامه های هنری استفاده کرد. در زمینه مطبوعات نیز وضع چندان مطلوب نیست. در بعضی زندان‌ها نسبت به ورود برخی مطبوعات که با مجوز قانونی منتشر می‌شوند، حساسیت ویژه وجود دارد و اعمال سلیقه می‌شود (گزارش از زندان سنندج- بندرعباس). . اگر چه در برخی از زندان‌ها مانند اوین چند سال است که روزنامه‌های مختلفی در اختیار زندانیان قرار می‌گیرد و روزنامه‌هایی مانند ایران و همشهری به صورت رایگان و کیهان و اطلاعات و حمایت به صورت تک فروشی قابل دسترسی برای زندانیان است. در تماس‌هایی که با مسئول یکی از زندان‌های مهم کشور از سوی انجمن دفاع گرفته شد از وی درخواست گردید که با توجه به مراجعات و تقاضاهای متعدد زندانیان مبنی بر دریافت روزنامه‌های مختلفی که علیرغم مجاز بودن در زندان عرضه نمی‌شوند، مقامات زندان اجازه دهند که انجمن به همان شیوه‌ای که ایران و همشهری برای زندانیان اوین به صورت رایگان فراهم و توزیع شده، اقدامات لازم را برای عرضه مستمر و رایگان روزنامه‌های دیگری مانند شرق، جام جم، اعتماد ملی و روزنامه‌های دیگر انجام دهد. پس از دو نوبت تماس فقط با جام جم موافقت شد و تصمیم‌گیری در خصوص سایر روزنامه‌ها به ریاست سازمان زندان‌ها ارجاع داده شد. متعاقباً نامه‌ای برای مسئول مربوطه در سازمان زندان‌ها نوشته شد اما تاکنون پاسخی بدان داده نشده است ...

منبع سایت پیک نت

درفش کاویانی



<https://derafsh-kavivani.com/>
<https://the-derafsh-kavivani.com/>